

# قصه‌های بهرنگ

صمد بهرنگی



## فهرست مطالب



۵	ادبیات کودکان
۹	ماهی سیاه کوچولو
۳۱	اولدوز و کلاغها
۸۸	اولدوز و عروسک سخنگو
۱۳۷	کچل کفترباز
۱۵۷	پسرک لبوفروش
۱۶۵	سرگذشت دانه‌ی برف
۱۶۸	پیرزن و جوجه‌ی طلایی اش
۱۷۳	دو گربه روی دیوار
۱۷۷	سرگذشت دومرول دیوانه‌سر
۱۹۴	افسانه‌ی محبت
۲۱۷	یک هلو و هزارهلو
۲۴۵	۲۴ ساعت در خواب و بیداری
۲۷۳	کوراوغلو و کچل حمزه
۳۲۸	تلخون
۳۵۳	بی‌نام
۳۶۳	عادت

## ادبیات کودکان



دیگر وقت آن گذشته است که ادبیات کودکان را محدود کنیم به تبلیغ و تلقین نصایح خشک و بی‌بربرگرد، نظافت دست و پا و بدن، اطاعت از پدر و مادر، حرف‌شنوی از بزرگان، سروصدا نکردن در حضور مهمان، سحرخیز باش تا کامروا باشی، بخند تا دنیا به رویت بخندد، دستگیری از بینوایان به سبک و سیاق بنگاه‌های خیریه و مسائلی از این قبیل که نتیجه‌ی کلی و نهایی همه‌ی اینها بی‌خبر ماندن کودکان از مسائل بزرگ و حاد و حیاتی محیط زندگی است. چرا باید در حالی که برادر بزرگ دلش برای یک نفس آزاد و یک دم هوای تمیز لک زده، کودک را در پيله‌ای از «خوشبختی و شادی امید» بی‌اساس خفه کنیم؟ بچه را باید از عوامل امیدوارکننده‌ی الکی و سست‌بنیاد ناامید کرد و بعد امید دگرگونه‌ای بر پایه‌ی شناخت واقعیت‌های اجتماعی و مبارزه با آنها را جای آن امید اولی گذاشت.

آیا کودک غیر از یادگرفتن نظافت و اطاعت از بزرگان و حرف‌شنوی از آموزگار (کدام آموزگار؟) و ادب (کدام ادب؟ ادبی که زورمندان و طبقه‌ی غالب و مرفه حامی و مبلغ آن است؟) چیز دیگری لازم ندارد؟ آیا نباید به کودک بگوییم که در مملکت تو هستند بچه‌هایی که رنگ گوشت و حتی پنیر را ماه به ماه و سال به سال نمی‌بینند؟ چرا که عده‌ی

۳۶۹	پوست نارنج
۳۷۸	آدی و بودی
۳۸۶	بزریش سفید
۳۹۱	به دنبال فلک
۳۹۵	گرگ و گوسفند
۳۹۷	موش گرسنه

قلیلی دلشان می‌خواهد همیشه «غاز سرخ‌شده در شراب» سر سفره‌شان باشد.

آیا نباید به کودک بگوییم که بیشتر از نصف مردم جهان گرسنه‌اند و چرا گرسنه شده‌اند و راه برانداختن گرسنگی چیست؟ آیا نباید درک علمی و درستی از تاریخ و تحول و تکامل اجتماعات انسانی به کودک بدهیم؟ چرا باید بچه‌های شسته و رفته و بی‌لک و پیس و بی‌سروصدا و مطیع تربیت کنیم؟ مگر قصد داریم بچه‌ها را بگذاریم پشت ویتترین مغازه‌های لوکس خرازی‌فروشی‌های بالای شهر که چنین عروسک‌های شبکی از آن‌ها درست می‌کنیم؟

چرا می‌گوییم دروغگویی بد است؟ چرا می‌گوییم دزدی بد است؟ چرا می‌گوییم اطاعت از پدر و مادر پسندیده است؟ چرا نمی‌آییم ریشه‌های پیدایش و رواج و رشد دروغگویی و دزدی را برای بچه‌ها روشن کنیم؟

کودکان را می‌آموزیم که راستگو باشند در حالی که زمان، زمانی است که چشم راست به چشم چپ دروغ می‌گوید و برادر از برادر در شک است و اگر راست آن‌چه را در دل دارد بر زبان بیاورد، چه بسا که از بعضی از دردمسرها رهایی نخواهد داشت.

آیا اطاعت از آموزگار و پدر و مادری نایاب و نفس‌پرست که هدفشان فقط راحت زیستن و هر چه بیش‌تر بی‌دردسر روزگار گذراندن و هر چه بیش‌تر پول درآوردن است، کار پسندیده‌ای است؟

چرا دستگیری از بینوایان را تبلیغ می‌کنیم و هرگز نمی‌گوییم که چگونه آن یکی «بینوا» شد و این یکی «توانگر» که سینه جلو دهد و سهم بسیار ناچیزی از ثروت خود را به آن بابای بینوا بدهد و منت سرش بگذارد که آری من مردی خیر و نیکوکارم و همیشه از آدم‌های

بی‌چاره و بدبختی مثل تو دستگیری می‌کنم، البته این هم محض رضای خداست و الا تو خودت آدم نیستی.

اکنون زمان آن است که در ادبیات کودکان به دو نکته توجه کنیم و اصولاً این دو را اساس کار قرار دهیم.

نکته‌ی اول، ادبیات کودکان باید پلی باشد بین دنیای رنگین بیخبری و در رویا و خیال‌های شیرین کودکی و دنیای تاریک آگاه‌غرقه در واقعیت‌های تلخ و دردآور و سرسخت محیط اجتماعی بزرگترها. کودک باید از این پل بگذرد و آگاهانه و مسلح و چراغ به دست به دنیای تاریک بزرگترها برسد. در این صورت است که بچه می‌تواند کمک و یار واقعی پدرش در زندگی باشد و عامل تغییردهنده‌ی مثبتی در اجتماع راکد و هر دم فرورونده.

بچه باید بداند که پدرش با چه مکافات‌ی لقمه‌نانی به دست می‌آورد و برادر بزرگش چه مظلوم‌وار دست و پا می‌زند و خفه می‌شود. آن یکی بچه هم باید بداند که پدرش از چه راه‌هایی به دوام این روز تاریک و این زمستان ساخته‌ی دست آدم‌ها کمک می‌کند. بچه‌ها را باید از «عوامل امیدوارکننده‌ی سست بنیاد» ناامید کرد.

بچه‌ها باید بدانند که پدرانشان نیز در منجلاب اجتماع غریق دست‌وپازنده‌ای بیش نیستند و چنان‌که همه‌ی بچه‌ها به غلط می‌پندارند، پدرانشان راستی راستی هم از عهده‌ی همه‌کاری بر نمی‌آیند و زورشان نهایت به زنان‌شان می‌رسد.

خلاصه‌ی کلام و نکته‌ی دوم، باید جهان‌بینی دقیقی به بچه داد، معیاری به او داد که بتواند مسائل گوناگون اخلاقی و اجتماعی را در شرایط و موقعیت‌های دگرگون‌شونده‌ی دایمی و گوناگون اجتماعی ارزیابی کند.